یادداشت

یوزپلنگ ایرانی: تاریخچه، وضعیت فعلی و تلاش‌ها برای نجات این گونه

معین میثاق: یوزپلنگ آسیایی، که در ایران به نام «یوز ایرانی» شناخته می‌شود، یکی از نمادهای برجسته حیات‌وحش ایران است. این گونه به عنوان سریع‌ترین حیوان خشکی روی زمین شناخته می‌شود، اما سال‌هاست که با چالش‌های زیادی برای بقا روبه‌رو است. این یوز که زمانی در بسیاری از مناطق آسیا، از شبه‌قاره هند تا عربستان و آسیای میانه، یافت می‌شد، اکنون فقط در ایران زندگی می‌کند و به‌شدت در معرض خطر انقراض قرار دارد. در این گزارش به تاریخچه، وضعیت کنونی، تعداد باقی‌مانده و اقدامات انجام‌شده برای حفاظت از این گونه ارزشمند خواهیم پرداخت.

تاریخچه یوز ایرانی: یوزپلنگ آسیایی که نام علمی آن Acinonyx jubatus venaticus است، در گذشته از پهنه وسیعی از آسیا، شامل مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی تا آفریقا پراکنده بود. یوزپلنگ‌ها در ایران برای قرن‌ها به عنوان نماد قدرت و سرعت شناخته می‌شدند. تصاویر یوزپلنگ در آثار تاریخی ایران از جمله نقاشی‌ها، حکاکی‌ها و مهرهای باستانی دیده می‌شود و این نشان‌دهنده اهمیت این حیوان در فرهنگ ایرانی است. در دوران صفویان و قاجارها، یوزپلنگ‌ها برای شکار استفاده می‌شدند. این حیوانات که به «یوز شکاری» معروف بودند، آموزش داده می‌شدند تا شکارهایی همچون آهو و بزهای کوهی را دنبال کنند. اما این کاربردها، همراه با توسعه کشاورزی و شکار بی‌رویه، باعث کاهش تدریجی جمعیت این گونه شد. در قرن بیستم، با گسترش شهرنشینی و فعالیت‌های صنعتی، زیستگاه‌های طبیعی یوزپلنگ ایرانی به‌شدت تخریب شد و جمعیت آن به مناطق محدودتری در کویر مرکزی ایران کاهش یافت.

وضعیت کنونی و تعداد باقی‌مانده: براساس برآوردهای موجود، یوز ایرانی یکی از نادرترین زیرگونه‌های یوزپلنگ در جهان است و جمعیت آن به طور چشمگیر کاهش یافته است. در دهه ۱۹۷۰ میلادی، تخمین زده می‌شد که حدود ۲۰۰ یوزپلنگ در ایران زندگی می‌کنند، اما این تعداد به مرور کاهش یافته است. براساس آخرین آمار منتشرشده توسط سازمان حفاظت محیط زیست ایران، اکنون تعداد یوزهای وحشی ایرانی کمتر از ۲۰ فرد است. برخی برآوردها حتی به عددی پایین‌تر از این اشاره می‌کنند که نشان‌دهنده وخامت اوضاع است. این تعداد بسیار کم نگرانی‌های جدی در مورد از بین رفتن تنوع ژنتیکی یوزها ایجاد کرده است. عدم تنوع ژنتیکی می‌تواند باعث کاهش توانایی گونه در مقابله با بیماری‌ها و تغییرات محیطی شود که خطر انقراض را افزایش می‌دهد.

دلایل کاهش جمعیت: کاهش شدید جمعیت یوز ایرانی به دلایل متعددی برمی‌گردد. تخریب زیستگاه: گسترش زمین‌های کشاورزی، پروژه‌های صنعتی و توسعه زیرساخت‌ها مانند جاده‌سازی، زیستگاه‌های طبیعی یوزها را از بین برده است. یوزها به مناطقی با فضای باز و کم‌تراکم نیاز دارند و تخریب این مناطق باعث محدودیت حرکت و شکار آنها شده است. کاهش طعمه: حیواناتی مانند آهو، جبیر و قوچ که منابع غذایی اصلی یوزها هستند، به دلیل شکار بی‌رویه و رقابت با دام‌های اهلی به‌شدت کاهش یافته‌اند. تصادفات جاده‌ای: یکی از عوامل مهم مرگ‌ومیر یوزها، تصادف با خودروها در جاده‌هایی است که از میان زیستگاه‌های یوزها عبور می‌کنند. این مشکل به‌ویژه در مناطقی مانند پارک ملی توران و منطقه حفاظت‌شده میاندشت قابل مشاهده است. شکار غیرقانونی: اگرچه شکار یوز در ایران ممنوع است، اما در گذشته شکار غیرقانونی تأثیر مخربی بر جمعیت این گونه داشته است. حتی شکار طعمه‌های یوز توسط انسان به طور غیرمستقیم بر بقای آنها تأثیر گذاشته است. فشار انسانی و تغییرات اقلیمی: افزایش فعالیت‌های انسانی و تغییرات آب‌وهوایی منجر به خشک‌سالی و کاهش منابع آب و غذا شده که زندگی یوزها را دشوارتر کرده است.

اقدامات حفاظتی انجام‌شده: با افزایش نگرانی‌ها درباره انقراض یوز ایرانی، تلاش‌های حفاظتی متعددی در چند دهه اخیر انجام شده است. برخی از این اقدامات عبارتند از: برنامه‌های ملی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی: در سال ۲۰۰۱، پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی با حمایت سازمان ملل و همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ایران آغاز شد. هدف این پروژه شناسایی مناطق زیستگاهی یوزها، کاهش تهدیدها و آموزش جوامع محلی درباره اهمیت حفاظت از این گونه بود. ایجاد مناطق حفاظت‌شده: برخی از مهم‌ترین زیستگاه‌های یوز، مانند پارک ملی توران و منطقه حفاظت‌شده میاندشت، تحت حفاظت ویژه قرار گرفته‌اند. این مناطق به عنوان پناهگاه‌های اصلی یوزها عمل می‌کنند. برنامه‌های تکثیر در اسارت: یکی از مهم‌ترین اقدامات، برنامه‌های تکثیر یوزها در شرایط اسارت است. این برنامه‌ها با هدف افزایش تعداد یوزها و بازگرداندن آنها به طبیعت طراحی شده‌اند. از جمله موفقیت‌های این برنامه، تولد یوزهای جدید مانند «پیروز» در مرکز تکثیر توران بود. آگاهی‌رسانی عمومی: در سال‌های اخیر کمپین‌های گسترده‌ای برای افزایش آگاهی مردم درباره وضعیت یوز ایرانی و اهمیت حفاظت از آن راه‌اندازی شده است. روز ملی یوزپلنگ آسیایی که در ۹ شهریور هر سال برگزار می‌شود، نمونه‌ای از این تلاش‌هاست. کاهش تصادفات جاده‌ای: نصب تابلوهای هشداردهنده در جاده‌هایی که از میان زیستگاه‌های یوز عبور می‌کنند و همچنین احداث پل‌های هوایی برای عبور یوزها از جاده‌ها، از جمله اقداماتی بوده‌اند که برای کاهش تلفات ناشی از تصادفات انجام شده‌اند.

چالش‌های پیش‌رو: علی‌رغم تمام تلاش‌ها، بقای یوز ایرانی همچنان با چالش‌های بزرگی مواجه است. بودجه محدود برای پروژه‌های حفاظتی، کاهش توجه عمومی و تغییرات اقلیمی، موانعی هستند که باید بر آنها غلبه کرد. همچنین برنامه‌های تکثیر در اسارت هنوز به نتایج قطعی و پایداری نرسیده‌اند.

یکی دیگر از چالش‌ها، همکاری با جوامع محلی است. بسیاری از زیستگاه‌های یوز در مناطقی قرار دارند که مردم محلی برای معیشت خود به شکار یا چرای دام در آنها وابسته‌اند. بدون ایجاد تعادل بین نیازهای انسانی و حفاظت از یوزها، امکان موفقیت در این مسیر دشوار خواهد بود.

راهکارهای پیشنهادی: افزایش بودجه برای پروژه‌های حفاظتی و پژوهشی؛
تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت از این گونه؛
توسعه برنامه‌های تکثیر در اسارت با رویکردهای علمی و بلندمدت؛
افزایش آگاهی عمومی و مشارکت مردم در طرح‌های حفاظتی؛
اعمال قوانین سخت‌گیرانه‌تر برای جلوگیری از شکار غیرقانونی و تخریب زیستگاه‌ها.

به سوی آینده با پاهای برهنه

ادامه از صفحه ۸

قصه زهرا؛ کودکی با بیماری نادر که پدرش او را هدیه خدا می‌داند

بیماری نادر زهرا نه‌تنها خانواده او، بلکه همه اهالی روستای علی‌آباد و حتی شهر بم‌پور را نگران کرده است. زهرا ۱۵ساله است و در خانواده‌ای پرجمعیت با ۱۴ خواهر و برادر دیگر زندگی می‌کند. خانواده آنها در خانه‌ای کوچک و دواتاقه ساکن هستند. پدر زهرا با نگرانی از وضعیت او و برادر سه‌ساله‌اش صحبت می‌کند که به نظر می‌رسد همان نشانه‌های بیماریِ مادرزادیِ زهرا را دارد: «همین دو هفته پیش بردمش بیرجند برای معاینه. پزشکان می‌گویند این بیماری مادرزادیه و به خاطر ازدواج فامیلیه». حین توضیح‌دادن، چشم از زهرا برنمی‌دارد و ناگهان جمله‌اش را نیمه‌کاره رها می‌کند تا کودکی سه چهارساله را که در دستان زهرا گیر افتاده، آزاد کند. وقتی برمی‌گردد، حرفش را ادامه می‌دهد: «این بچه غیر از مشکلات خودش بقیه رو هم اذیت می‌کنه. اصلا متوجه نیست و دست خودش هم نیست. اگر دو دقیقه گرسنه بمونه، چنان جیغی می‌کشه که صداش تمام روستا رو پر می‌کنه. باید شیفتی مراقبش باشیم که به برادر کوچکش آسیبی نرسونه». پدر زهرا به کمک یک خیر، چندی پیش او را برای معاینه به تهران برده است. پزشکان پیشنهاد کردند که زهرا را به یک مرکز بهزیستی بسپارند، اما او و مادرش نمی‌توانند این کار را انجام دهند. با چشمانی پر از عشق به زهرا می‌گوید: «زهرا برای ما گلی است که خدا به ما هدیه کرده و ما باید دائم مراقب این گل باشیم. برای ما عیب و عاره که این هدیه خدا رو از خودمون جدا کنیم».

پدر زهرا برای بچه‌هایش کفش نو می‌گیرد و با نگرانی از لوازم‌التحریر و نیازهای مدرسه آنها صحبت می‌کند. اما آقای ریگی، خیر منطقه، با کمک‌های خود، نگرانی او را تا حدی برطرف می‌کند. پدر زهرا با سپاسگزاری می‌گوید: «مگر لطف شما و یاری خدا کمک کند و زندگی این بچه‌ها مثل زندگی من نشود».

«ونیت»؛ روستای بدون دخانیات و بدون مدرسه

چندصدکیلومتر دورتر از ایرانشهر و در نقطه مقابل جنوب شرقی کشور، روستای «ونیت» در جنوب غرب ایران قرار دارد. با وجود فاصله زیاد، داستان‌ها و روایت‌های زندگی در این مناطق با لهجه‌های متفاوت، اما با شرایطی مشابه، به هم شبیه‌اند. حوالی ظهر، مردی سوار بر الاغ از کوه به روستا برمی‌گردد و با افتخار از شهرت روستای آباواجدادی‌اش می‌گوید: «ونیت، روستای بدون دخانیات ایران است؛ اینجا هیچ‌کس سیگار نمی‌کشد».

هم‌زمان با این صحبت‌ها، به مدرسه «حر ونیت» می‌رسیم؛ تنها مدرسه روستا که چندین سال است ویرانه شده و امسال قرار است تخریب شود. مسئول آموزش‌وپرورش منطقه می‌گوید: «با همت خیران مدرسه‌ساز، قرار است برای ونیت یک مدرسه ابتدایی جدید ساخته شود، اما زمان می‌برد. تا آن زمان، دانش‌آموزان در کانکسی که به‌تازگی اهدا شده، درس خواهند خواند».

این کانکس و ده‌ها کانکس مشابه از سوی حامیان مؤسسه خیریه نیکان در سال‌های گذشته تأمین و به مناطق دورافتاده ارسال شده‌اند. یکی از آنها همان کانکسی است که پیش‌تر در روستایی دورافتاده در نزدیکی موسیان استفاده می‌شد و امسال به ونیت منتقل شده است. وقتی می‌پرسم دانش‌آموزان آن کانکس کجا هستند، مسئول محلی توضیح می‌دهد: «آنها عشایر بودند و امسال به روستانشینی روی آوردند؛ بنابراین دیگر نیازی به کانکس نداشتند».

زنگ مدرسه که به صدا درمی‌آید، دانش‌آموزان از کانکس بیرون می‌آیند؛ ۱۷ دانش‌آموز در شش کلاس و یک کانکس!

این وضعیت فقط مختص روستای ونیت نیست؛ مشابه این قصه در بسیاری از روستاهای حاشیه استان ایلام هم تکرار می‌شود. کانکس‌ها سقفی موقت برای دانش‌آموزانی هستند که از مدرسه بازنمانند و به لطف نیکانِ زمانه، آسمان سقف آرزوهای‌شان شود.

قصه آقاسعید؛ مردی که برای خوشبختی کودکان زندگی می‌کند

«سعید ریگی» سال‌هاست که در مدارس مختلف استان سیستان‌وبلوچستان، به‌ویژه در شهرستان ایرانشهر، به تدریس مشغول است. حتی بعد از انتقال به اداره آموزش‌وپرورش، ارتباط خود را با مدارس و دانش‌آموزان حفظ کرده است. حدود یک دهه پیش هنگام تدریس در مدارس ابتدایی، او به طور اتفاقی یکی از مسابقات مؤسسه خیریه «نیکان ماموت» را مشاهده کرد و تصمیم گرفت آثار دانش‌آموزانش را به این مسابقه ارسال کند. جالب اینجاست که یکی از دانش‌آموزان برنده این مسابقه نقاشی شد. این تجربه و سرنوشت روزگار، آقای ریگی را به مؤسسه خیریه نیکان پیوند زد و همکاری آنها بیش از یک دهه است که ادامه دارد. به گفته آقای ریگی، این همکاری منجر به تغییر زندگی صدها کودک و خانواده شده است.

در یک روز گرم مرداد در ایرانشهر، «پرهام»، پسر ۹ساله آقای ریگی، کنار پدر نشسته و کفش‌های ارسالی از تهران را براساس شماره‌ها بسته‌بندی می‌کند. آقای ریگی می‌گوید: «پسرم از پنج شش‌سالگی به کار خیر علاقه‌مند شده و همیشه همراه من است. یکی از لذت‌های این همکاری با نیکان، اثرگذاری بر خانواده و اطرافیان است. وقتی می‌بینم بچه‌های کوچک من با اشتیاق به این کار مشغول می‌شوند، تمام زحمات را جبران و شیرین می‌کند».

او در ادامه اشاره می‌کند که وقتی معلم هستید، تمام تلاش‌تان بر یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان متمرکز است، اما زمانی که می‌بینید دانش‌آموزی پدر و مادرش را از دست داده و حتی برای تأمین لوازم‌التحریر، کفش و لباس مشکل دارد، انتظار درس‌خواندن از او غیرممکن است. این امر او را به سمت کارهای اجتماعی و خیریه سوق داده است. آقای ریگی درباره شرایط کلی دانش‌آموزان بمپور و روش تشخیص کودکان نیازمند هم می‌گوید که به کمک یکی از همکارانش که مسئول آمار و اطلاعات کودکان بازمانده از تحصیل است، داستان‌ها و آمارهای تلخی به دست آورده‌اند. او می‌گوید: «یکی از معیارهای ما وجود سرپرست یا وضعیت مالی سرپرست خانواده‌هاست و براساس‌این یک بانک اطلاعاتی داریم. به عنوان مثال، در بمپور ۹۰۰ دانش‌آموز بی‌سرپرست داریم که از این تعداد، ۳۴۰ نفر نه پدر دارند و نه مادر. این کودکان عملا هیچ همراهی ندارند و بعضی وقت‌ها مجبورند از سنین کودکی کار کنند که این موضوع به افزایش آمار بازماندگی از تحصیل در این مناطق کمک می‌کند». توضیحات این معلم ساکن در منطقه ایرانشهر به‌خوبی دغدغه اجتماعی و همچنین تلاش برای تحول در زندگی آینده‌سازان ایران را نشان می‌دهد؛ دغدغه‌ای که به یک معلم خاص یا استانی مشخص محدود نمی‌شود و در سمت دیگر ایران هم همین توضیحات از زبان معلمی دیگر و با لهجه و زبان متفاوت هم بیان می‌شود. آقای خانه‌زر در مسیر حرکت از ایلام و موسیان به سمت مدرسه «شهید سهام خیام» که محل قرارگیری یکی از کانکس‌های اهدایی خیرین هم هست، دراین‌باره می‌گوید: «خانواده ما عشایر بودند و همواره در حرکت بودیم. درس‌خواندن در چنین شرایطی سخت است، اما به یاد دارم که یک انسان شریف چقدر برای من و دیگر بچه‌های عشایر زحمت کشید. این مدت که پیگیر تهیه کانکس برای عشایر استان ایلام بودم، مدام یاد و خاطره معلم خودم زنده می‌شد. این چرخه نیکوکاری و کمک به بچه‌های کم‌برخوردار با همین تلاش‌ها ادامه پیدا می‌کند و مطمئنم که بچه‌های امروز، فردا برای نسل‌های بعد همین کارها را خواهند کرد».

در مسیر بازگشت از ایرانشهر به چابهار، راننده‌ای به نام «امیرارسلان» ناخواسته بحث را به سمت کار خیر و نیکوکاری می‌کشاند. او با اشاره به وضعیت کنونی بلوچستان می‌گوید: «این روزها، بلوچستان تبدیل به فضای تولید عکس و فیلم برای اینستاگرام شده. افرادی هستند که به اسم کار خیر، اما درواقع برای جذب طرفدار و فالوئر سراغ این بچه‌ها می‌آیند». لحن تند او نشان‌دهنده خشمش از این رفتارهاست و ادامه می‌دهد: «این کارها هرچه هست، کار خیر نیست. هیچ کمکی به این بچه‌ها و مردم نمی‌کند؛ فقط برای خودشان طرفدار می‌آورند و فالوئر جمع می‌کنند».

در منطقه آزاد چابهار، کودکی با پای برهنه به سمت ما می‌آید و به زبان ساده و کودکانه‌ای کمک می‌خواهد: «برایم دمپایی بخر، تو رو خدا برایم دمپایی بخر».

همکارم از صاحب مغازه درباره شرایط این کودک می‌پرسد و فروشنده با اکراه در پاسخ می‌گوید: «پول که برای دمپایی نمی‌خواهد، روشش همینه. این بچه معتاده، وگرنه من این‌قدر انسان هستم که یک جفت دمپایی به او بدهم. این روش کارشه».

این سخن درباره کودکی هفت هشت‌ساله است؛ کودکی که نه‌تنها از تحصیل بازمانده، بلکه از زندگی ساده نیز فاصله گرفته است. در این سن، با جسم و روانی آسیب‌دیده، برای تأمین نان شب مجبور به نمایش و جذب توجه دیگران شده است. در دنیایی که او به عنوان یک کودک باید به بازی و یادگیری بپردازد، شرایطش او را به مسیری ناخواسته و تلخ سوق داده است. این داستان‌ها و گفت‌وگوها، نمایانگر واقعیت‌های تلخی هستند که بسیاری از کودکان در مناطق محروم با آن مواجه‌اند و ضرورت توجه به مسائل اجتماعی و حمایت از آنها را دوچندان می‌کند.

به مناسبت ۱۲ آذر، روز قانون اساسی

امنیت مردم از قانون اساسی تا کف جامعه

محمدهادی جعفرپور: عطف به برخی تصمیمات و اقدامات انجام‌شده در اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای سراسری ایران (اسکودا) که با فلسفه تأسیس اتحادیه و کارکرد تعریف شده برای آن در تقابل و به نوعی زایل‌کننده دلیل وجودی چنین نهادی است، وقت آن رسیده تا وکلای سراسر کشور با هدف اتحاد و همدلی در مسیر تأسیس انجمن یا اتحادیه سراسری وکلا قدم بردارند.

بدون شک پیش از هر اقدامی لازم است دلیل و فلسفه تأسیس چنین نهادی تبیین و از علاقه‌مندان به چنین فعالیتی در سراسر کشور دعوت به عمل آید. کارکرد و وظایف سازمانی نهادهای مدنی که کانون وکلا سرآمد و الگوی تمام‌عیار این نوع نهاد در جامعه ایران است، به گونه‌ای است که غالب شهروندان مطالبه خواسته‌ها و توقعاتی که از حاکمیت دارند را وظیفه این مراکز می‌دانند و همین توقعات مردمی مهم‌ترین انگیزه و اصلی‌ترین دلیل حیات و تلاش نهادهای مدنی در ادامه مسیر و گسترش حوزه فعالیتشان تلقی می‌شود. بنابر همین دلیل است که غالب جامعه‌شناسان وجود و تکثر نهادهای مدنی را مقدمه مردم‌سالاری و توسعه‌یافتگی و تحقق جامعه مدنی به معنای واقعی کلمه می‌دانند. با نگاهی به عقبه و تاریخچه نهادهای مدنی در برخی کشورهای توسعه‌یافته، این ادعا تأیید می‌شود که به موازات تأسیس چنین نهادهایی، مختصات توسعه‌یافتگی نیز به مرور شکل گرفته است. البته نباید فراموش کرد که ماهیت و کارکرد نهادهای مدنی وابسته به نگاه و جایگاهی است که حاکمیت به چنین نهادهایی دارد، به همین سبب لازم است برای خروج از برخی الزامات حاکمیتی به نقش و تأثیر اعضای نهادهای مدنی که دارای تخصص و کارکرد مشخصی در جامعه هستند توجه بیشتری شود تا اثرگذاری و کارکرد چنین افرادی جلوتر از کارکرد تشکیلاتی سازمان مربوطه بروز و ظهور ملموس‌تری داشته باشد.

نظامات و مقررات حاکم بر شرح وظایف ذاتی کانون‌های وکلا به انضمام چالش‌های تحمیل‌شده بر این کهن‌دیار دوست‌داشتنی را می‌توان اصلی‌ترین دلیل عدم ورود خانه صنفی به چالش‌های اجتماعی مفروض دانست که در چنین بزنگاه‌هایی لازم است اعضای خانواده صنفی آستین همت بالا زده در مقام سربازان عدالت راه‌گشای مشکلات جامعه باشند که یقینا شناسایی و چاره‌اندیشی مشکلات صنفی در اولویت هر وکیل دادگستری است. لذا حال که کارکرد اتحادیه سراسری کانون های وکلا تحت تأثیر تصمیمات حاکمیتی از فلسفه وجودی آن فاصله گرفته، لازم است اعضای خانه صنفی به دور از هرگونه تداخل وظیفه و موازی کار تحت پوشش (اساس‌نامه) مرام‌نامه‌ای مشخص در مسیر ایجاد اتحادیه وکلا تلاش کنند تا فعالیت‌های صنفی و مطالبه‌گری وکلا نظم و انضباطی یک‌دست و تعریف‌شده داشته باشد.

به همین دلیل، ضرورت تشکیل گروه وکلای علاقه‌مند به تأسیس اتحادیه وکلا احساس شده و لازم است هریک از همکاران عزیز که علاقه‌مند به چنین فعالیتی هستند برای تنظیم مرام‌نامه و کارکرد چنین اتحادیه‌ای ایده و پیشنهاد خویش را منتشر و مطرح کنند.

مدیران مستقل کانون‌های سراسر کشور، پیش‌کسوتان و معمرین، فعالین صنفی و وکلای فعال در رسانه‌ها و حتی جامعه‌شناسان و فعالان مدنی و اهالی محترم رسانه می‌توانند برای عملیاتی‌شدن چنین ایده‌ای ضمن ارائه پیشنهاد، طریق و مسیری صواب تعریف کنند تا نظر و پیشنهاد وکلای سراسر کشور در یک قالب مشخص تحلیل و بررسی شده، مقدمات تأسیس اتحادیه وکلای ایران فراهم شود.

آگهی دعوت مجمع عمومی موسس انجمن صنفی کارگری مسئولین ایمنی و بهداشت حرفه ای شهرستان اشتهارد

اولین مجمع انجمن صنفی مذکور، روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ ساعت ۱۰ صبح در محل سالن آمفی تئاتر ساختمان فن آوری به آدرس شهرک صنعتی اشتهارد، نبش بلوار حافظ شرقی، ساختمان فن آوری کسب و کار، طبقه همکف، کدپستی ۳۷۸۸۱۱۳۳۶۶ برگزار می گردد.از کلیه کارگران عضو شاغل در صنف مربوطه دعوت می شود در جلسه مذکور شرکت نمایند. **دستور جلسه :۱-** تصویب اساسنامه ۲- اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره و بازرسان ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های انجمن

هیئت موسس :۱- کارن میری ۲- پویا صافی ۳ـ حنانه نجاری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۳۷۲۸ مورخ ۱۴۰۳.۰۸.۱۹ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۳۷۲۹ مورخ ۱۴۰۳.۰۸.۱۹ صادره از هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران ، تصرفات مفروزی و مالکانه و بلا معارض آقای تراب بابائی فرزند محمد خالق بشماره شناسنامه ۶۹۲ با شماره کد ملی ۵۸۰۹۷۰۵۰۹۱ متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۱۱۴۷۰۰۰۴۱۹ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۶۶.۱۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۰۲ اصلی واقع در تهران بخش ۱۰ تهران محرز شده لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی میگردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره ارائه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی و اعتراض طبق مقررات اقدامات مقتضی بعدی معمول خواهد شد.

م الف ۱۵۱۳۹ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ۹۰۹۴۶۰ سری الف سال ۸۵ شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین بشماره پلاک ۸۹۹ فرعی از ۱۲ اصلی ذیل ثبت و صفحه ۱۰-۱۴۷۸۶ دفتر ۱۰۴ اداری بنام اروج سودائی ثبت و صادر گردیده است. مورد ثبت برابر سند انتقال قطعی شماره ۱۳۹۱.۸.۱۵-۴۷۰۹۲ دفترخانه ۱۰۹ آستارا به خانم ترانه صدری منتقل گردیده است نامبرده طی درخواست الکترونیکی ارسال دفترخانه ۱۰۹ آستارا بشماره ۱۴۰۱۶۴۵۴۲۲۰۰۰۰۵۶۲ - ۱۴۰۳.۸.۱۶ منضم به دو برگ شهادت شهود اعلام داشته که اصل سند مالکیت دربد مالک بوده و بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست صدور سند المثنی را نموده است. لذا مراتب بر اساس ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت منتشر چنانچه هر کس اعم از حقیقی و یا حقوقی مدعی حقی و یا وقوع معامله بنفع خویش و یا وجود اسناد مالکیت اولیه نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز میتواند اعتراض خود را کتبا با ارائه اصل سند مالکیت و یا اصل سند معامله به این اداره اعلام ورسید دریافت نماید در غیر این صورت برابر مقررات جاری ثبت اقدام خواهد شد.

سرپرست ثبت اسناد و املاک ۷۹۰۳

آگهی فقدان سند مالکیت

سـند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مشجر با بنای احداثی به مساحت ۹۰۵متر مربع بشماره پلاک ۲۷۰ فرعی از ۲۸ اصلی مفروز و مجزی شده از اصلی مذکور واقع در آستارا بخش ۳۱ گیلان به شماره مستند ۴۰۱۱۳ - ۱۳۹۰.۴.۱۰ بالسویه بنام خانم ها مژگان و پریا آفتابی صادر و تسلیم گردیده است. سپس نامبردگان برابر درخواست وارده های به بشمارهای نموده اند که سند مالکیت پلاک فوق در هنگام جابجائی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت العثنی را نموده لذا مراتب براساس ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت یک نوبت در روزنامه منتشر چنانچه هر کس اعم حقیقی وحقوقی مدعی حقی وبا وقوع معامله بنفع خویش وبا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز می تواند اعتراض خود را کتبا با ارائه اصل سند مالکیت وبا اصل سند معامله به این اداره اعلام ورسید دریافت نماید در غیر اینصورت برابر مقررات جاری ثبت واقدام خواهد شد

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ۷۹۰۴

آگهی فقدان سند مالکیت

سـند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکبابخانه به مساحت ۸۶.۱۳ متر مربع بشـماره پلاک ۱ فرعی از ۱۷۳ اصلی مفروز و مجزی شـده از اصلی مذکور واقع در آستارا بخش ۳۱ گیلان بشـماره چاپی ۱۰۰۹۸۶ سری چ سال ۹۸ بشماره الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۱۸۰۱۰۰۰۰۴۸۲ بنام خانم الهام قصابی صادر و تسـلیم گردیده است. سپس آقای اسفندیار فرضی برابر و وکالتنامه شـماره ۴۵۹۷۳ - ۱۴۰۳.۶.۲۱ تنظیمی دفتر ۲۵۲ آسـتارا به وکالت از جانب خانم زهرا قصابی برابر درخواست وارده بشماره ۴۰۳۸۲-۱۴۰۳۶۲۶۵۰۶۰۳۰۰۰۵۸۲ دفتر ۲۵۲ آستارا وبه پیوست فرم شهادت شهود اعلام نموده که سند مالکیت ششدانگ پلاک فوق در هنگام جابجائی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی را نموده لذا مراتب براساس ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت یک نوبت در روزنامه منتشر چنانچه هر کس اعم حقیقی وحقوقی مدعی حقی وبا وقوع معامله بنفع خویش وبا وجود سـند مالکیت نزد خود میباشـد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز می تواند اعتراض خود را کتبا با ارائه اصل سند مالکیت وبا اصل سند معامله به این اداره اعلام ورسید دریافت نماید در غیر اینصورت برابر مقررات جاری ثبت واقدام خواهد شد

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ۷۹۰۵

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه و محوطه به مساحت ۴۳۰ متر مربع بشماره پلاک ۱۴۷ فرعی از ۱۴ اصلی مفروز و مجزی شده از اصلی مذکور واقع در آستارا بخش ۳۲ گیلان به شماره مستند ۵۶۲۴۵-۱۳۹۳.۱۰.۳ شماره چاپی ۰۴۸۹۰۱ سری الف سال ۹۳ بشماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۳۲۰۳۱۸۰۱۰۰۰۰۰۳۲ بنام خانم سیده صدیقه سیدی صادر و تسلیم گردیده است. سپس نامبرده برابر درخواست وارده ۱۴۰۳۶۲۶۵۰۶۰۷۰۰۰۰۵۹-۱۴۰۳.۷.۲۹ دفتر ۶ آستارا وبه پیوست فرم شهادت شهود اعلام نموده اند که سند مالکیت پلاک فوق در هنگام جابجایی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت العثنی را نموده ، لذا مراتب براسـاس ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت یک نوبت در روزنامه منتشر چنانچه هرکس اعم حقیقی وحقوقی مدعی حقی وبا وقوع معامله بنفع خویش وبا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز می تواند اعتراض خود را کتبا با ارائه اصل سند مالکیت و یا اصل سند معامله به این اداره اعلام ورسید دریافت نماید در غیر اینصورت برابر مقررات جاری ثبت واقدام خواهد شد

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ۷۹۰۶

آگهی ابلاغ اخطاریه

نظر به اینکه آقای امیر اتفاقیان از مالکین مشاع پلاک ۱۴۷۵.۲۴ اصلی واقع در آستارا بخش ۳۱ گیلان برابر مشروحه وارده شماره ۱۴۰۳۰۷.۱۸-۱۲۱.۰۳۶۸۰ تقاضای افراز قدرالسهمی خود از پلاک مرقوم را نموده و اعلام نموده سایر مالکین مشاعی مجهول المکان میباشند لذا بدینوسیله به کلیه مالکین مشاعی که اسامی آنها ذیلا درج میگردد اخطار میشود جهت شرکت در معاینه محلی و تهیه نقشه افرازی که از طریق این اداره بعمل خواهد آمد راس ساعت ۱۰ مورخه ۱۴۰۳.۹.۱۵ در محل وقوع ملک حضور بهم رسانید. بدیهی است عدم حضور هر یک از

مالکین مشاع مانع از انجام عملیات افراز نخواهد بود و نتیجه افراز نیز از طریق انتشار در روزنامه ابلاغ خواهد شد. اسامی سایر مالکین مشاع زهراعینی - فاطمه عینی رضا عینی - مقصود عینی - رسول عینی - ودود برخوردار - آرمین برخوردار رسول عینی توحید رهسپار - سعیده سیاوش

تاریخ انتشار ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

سرپرست ثبت اسناد و املاک ۷۹۰۷

آگهی دعوت از شرکاء شرکت کیمیا درمان نیکان غرب بامسولیت‌محدود

شماره ثبت ۴۷۸۸۷۲ شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۱۹۲۸۷

بدینوسیله ازکلیه شرکا شرکت دعوت می گردد تا درجلسه مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۳ ساعت ۱۱ صبح درمحل قانونی شرکت تشکیل میگردد حضوربهمرسانند.

دستور جلسه:

۱ـ بررسی گزارش اعضا هیات مدیره نسبت به عملکرد سال ۱۴۰۳ تاپایان آبانماه

۲ـ اتخاذ تصمیمات جدید نسبت به پیشبرد اهداف مالی شرکت

۳ـ تصویب ترازنامه وحساب سودوزیان سال مالی ۱۴۰۲

هیات مدیره شرکت

برگ سبز خودروام وی ام X33 cross cvt رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک ایران ۶۰ - ۸۲۳ ص ۸۷ و شماره موتور MVME3T10AHR042981 و شماره شاسی NATGBAKU8R1015861 به نام **شاهرخ احمدیان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب مهران نوری** فرزند مرتضی به شماره شناسنامه ۵۲۷۰ صادره از تهران در مقطع دکتری رشته پزشکی عمومی صادره از واحد دانشگاهی علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران به نشانی شریعتی، خاقانی